ISSN: 2717-0934 Vol.8 , No.2, Serial No. 28, Summer 2026 http://journal.iiwfs.com/

The Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World

https://doi.org/10.22034/fasiw.2026.250750

Article Type: Research paper

The Contest between Neo-Ottomanism and the Axis of Resistance: The Security Implications of Iran–Turkey Strategic Rivalry for Iraq

***Hossein Rafie**

1. Associate Professor of International Relations, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Article Info.

Received: 27/06/2026
Accepted: 12/09/2026
Available Online: 13/11/2026

Keywords:
Neo-Ottomanism; Axis of Resistance; Securitization; Iran–Turkey Strategic Rivalry; Iraq's Security Environment.

*** Corresponding Author:**
Dr. Hossein Rafie
Address: Associate Professor of International Relations, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.
E-mail:
h.rafie@umz.ac.ir

Abstract

The post2003- transformation of Iraq has positioned the country as one of the principal arenas of regional power competition, where Iran and Turkey, through distinct strategic approaches, have sought to redefine their respective roles within Iraq's and the broader region's security architecture. In this context, Turkey's Neo-Ottomanism and Iran's Axis of Resistance represent two competing paradigms of regional power projection and order-building, each generating significant implications for Iraq's sovereignty, stability, and security. This study seeks to explain the security consequences of the rivalry between these two strategic frameworks for Iraq's security environment. The central research question asks: How has the competition between Neo-Ottomanism and the Axis of Resistance shaped Iraq's security environment? The study hypothesizes that Iran and Turkey have each oscillated between strategies of securitization and desecuritization depending on the sector and contextual setting. Regardless of which actor assumed the dominant securitizing role at a given juncture, their strategic competition has collectively reproduced multilayered and unstable security dynamics within Iraq. Employing a qualitative research design and a descriptive-analytical method, the study draws upon documentary and library-based sources. The data are analyzed through thematic analysis within the theoretical framework of the Copenhagen School's Securitization Theory. The findings demonstrate that Iran–Turkey rivalry across the political, military, economic, societal, and environmental sectors has transformed Iraq's security environment into a multilayered and contested space. By intensifying threat perceptions, expanding regional interventions, and constraining Iraq's capacity for autonomous governance, this rivalry has further exacerbated the country's structural security fragility.

How to Site:
Rafie, H. (2026). The Contest between Neo-Ottomanism and the Axis of Resistance: The Security Implications of Iran–Turkey Strategic Rivalry for Iraq. *The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 8(2), 196-230.

Authors retain the copyright and full publishing rights.
Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

فصلنامهٔ مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام،
سال هشتم، شمارهٔ بیست و هشتم، تابستان ۱۴۰۵
https://doi.org/10.22034/fasiw.2026.250750

انجمن ژئوپلیتیک ایران
Iranian Association of Geopolitics (I.A.G)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

آوردگاه نوعثمان‌گرایی و محور مقاومت: تأثیر امنیتی رقابت ترکیه و ایران بر عراق

*** حسین رفیع**

۱. دانشیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۰۶ تیر ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۲۱ شهریور ۱۴۰۵
تاریخ انتشار: ۱۶ آبان ۱۴۰۵

کلیدواژه‌ها:
نوعثمان‌گرایی، محور مقاومت، امنیتی‌سازی، رقابت راهبردی ایران و ترکیه، محیط امنیتی عراق.

*** نویسندهٔ مسئول:**
دکتر حسین رفیع
نشانی: دانشیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
پست الکترونیک:
h.rafie@umz.ac.ir

چکیده

تحولات عراق پس از ۲۰۰۳، این کشور را به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های رقابت قدرت‌های منطقه‌ای تبدیل کرده است؛ رقابتی که در آن، ایران و ترکیه با اتکا به راهبردهای متفاوت، درصدد بازتعریف جایگاه خود در معماری امنیتی عراق و منطقه هستند. در این میان، نوعثمان‌گرایی ترکیه و محور مقاومت ایران، دو الگوی رقیب قدرت‌ورزی و نظم‌سازی منطقه‌ای را نمایندگی می‌کنند که پیامدهای امنیتی قابل‌توجهی برای حاکمیت، ثبات و امنیت عراق به همراه داشته‌اند. مسئله اصلی پژوهش حاضر، تبیین تأثیر رقابت این دو رویکرد بر محیط امنیتی عراق است. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش آن است که «رقابت نوعثمان‌گرایی و محور مقاومت چگونه بر محیط امنیتی عراق تأثیر گذاشته است؟». فرضیه پژوهش بر این مبنا استوار است که «ایران و ترکیه، هرکدام بسته به بخش و زمینه خاص، میان راهبردهای امنیتی‌سازی و غیرامنیتی‌سازی در نوسان بوده‌اند و این رقابت دوسویه، صرف‌نظر از اینکه کدام بازیگر در کدام مقطع، کنشگر غالب امنیتی‌سازی بوده، به بازتولید وضعیت‌های امنیتی چندلایه و ناپایدار در عراق منجر شده است». پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و داده‌ها به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری و با استفاده از تحلیل مضمون، در چارچوب نظریه امنیتی‌سازی مکتب کپنهاگ بررسی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که رقابت ایران و ترکیه در حوزه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، محیط امنیتی عراق را به فضایی چندلایه و متعارض تبدیل کرده و با تشدید منطق تهدید، مداخلات منطقه‌ای و محدودیت ظرفیت حاکمیت مستقل عراق، شکنندگی امنیتی این کشور را افزایش داده است.

استناد به این مقاله:
رفیع، حسین. (۱۴۰۵). آوردگاه نوعثمان‌گرایی و محور مقاومت: تأثیر امنیتی رقابت ترکیه و ایران بر عراق. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۸(۲)، ۱۹۶-۲۳۰.

Authors retain the copyright and full publishing rights.
Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

۱. مقدمه

تحولات عراق پس از ۲۰۰۳ این کشور را از یک واحد ژئوپلیتیکی نسبتاً بسته به یکی از مهم‌ترین میدان‌های رقابت قدرت‌های منطقه‌ای تبدیل کرده است؛ میدانی که در آن، طی بازه ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۶، امنیت داخلی و حاکمیت ملی عراق به‌طور فزاینده‌ای با راهبردهای ایران و ترکیه درهم‌تنیده شده است. فروپاشی ساختار امنیتی متمرکز دوران بعث، ظهور بازیگران غیردولتی مسلح و تحولات پی‌درپی منطقه‌ای (همچون؛ بهار عربی، ظهور و افول داعش و سقوط اسد) عملاً خلأیی ساختاری پدید آورد که دو قدرت همسایه، هرکدام با منطق و ابزار خاص خود، کوشیدند آن را پر کنند. در این میان، رقابت تهران و آنکارا صرفاً نزاعی برای افزایش نفوذ سیاسی نیست، بلکه تقابل دو الگوی متفاوت از قدرت‌ورزی منطقه‌ای است: نوعثمان‌گرایی ترکیه که با اتکا بر پیوندهای تاریخی، فرهنگی، نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک، در پی بازتعریف جایگاه آنکارا در محیط پیرامونی است و محور مقاومت ایران که بر شبکه‌ای از پیوندهای ایدئولوژیک، مذهبی، امنیتی و راهبردی استوار است.

مسئله اصلی این پژوهش، تحلیل الگوی رفتار رقابتی ایران و ترکیه در عرصه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی عراق و تبیین چگونگی امنیتی‌سازی مسائل و بازتعریف تهدیدها از سوی هر دو کشور، و نیز بررسی پیامدهای این رقابت برای ثبات، حاکمیت و امنیت عراق است. اهمیت این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که عراق در نقطه تلاقی دو منطق امنیتی متفاوت قرار گرفته است: ایران از طریق محور مقاومت می‌کوشد عمق راهبردی و بازدارندگی خود را در برابر تهدیدهای فرامنطقه‌ای حفظ کند و عراق را در شبکه امنیتی منطقه‌ای خود جای دهد؛ ترکیه نیز با بهره‌گیری از ظرفیت‌های نوعثمان‌گرایی، می‌کوشد نفوذ سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی خود را در عراق تعمیق بخشد و هم‌زمان تهدیدهای امنیتی مرتبط با مرزها و مسئله کردها را مدیریت کند. افزون بر این، ورود بازیگران فرامنطقه‌ای (به‌ویژه آمریکا و اسرائیل) به این معادله، به‌ویژه از ۲۰۲۶ به بعد، ابعاد تازه‌ای به این رقابت افزوده و نشان داده که میدان عراق دیگر صرفاً محل رویارویی دوجانبه نیست.

ازاین‌رو، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که رقابت نوعثمان‌گرایی و محور مقاومت چگونه بر محیط امنیتی عراق تأثیر گذاشته است؟ فرضیه پژوهش آن است که ایران و ترکیه، هرکدام بسته به بخش و زمینه خاص، میان راهبردهای امنیتی‌سازی و غیرامنیتی‌سازی در نوسان

بوده‌انـد و ایـن رقابـت دوسـویه، صرف‌نظـر از اینکـه کـدام بازیگـر در کـدام مقطـع، کنشـگر غالـب امنیتی‌سـازی بـوده، بـه بازتولیـد وضعیت‌هـای امنیتـی چندلایـه و ناپایـدار در عـراق منجـر شـده اسـت.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هـای پیشـین فارسـی و انگلیسـی، پیرامـون رقابـت منطقـه‌ای ایـران و ترکیـه، ماهیـت چندوجهـی ایـن پدیـده را آشـکار سـاخته‌اند. ایـن مطالعـات هرچنـد از حیـث روش‌شـناختی و رویکردهـای نظـری متنوعنـد، امـا عمدتـاً در سـه خوشـه‌ی محتوایـی قابـل دسـته‌بندی هسـتند کـه هـر یـک، بخشـی از ابعـاد ایـن مناقشـه‌ی ژئوپلیتیکـی را روشـن سـاخته‌اند. ایـن دسـته‌بندی، امـکان تحلیـل نظام‌منـدِ ادبیـات موجـود و شناسـایی شـکاف‌های نظـری و تجربـی را فراهـم مـی‌آورد.

۲-۱. مطالعات مربوط به نوعثمان‌گرایی و تحول سیاست خارجی ترکیه

مشـیرزاده و جابـری (۲۰۲۶) در مقالـه‌ای بـا عنـوان «نوعثمانی‌گرایـی و چرخـش در نگـرش ژئوپلیتیـک ترکیـه بـه غـرب آسـیا» ریشـه‌های هویتـی و فکـری تحـول سیاسـت خارجـی ترکیـه را بررسـی کرده‌انـد. نویسـندگان بـا بهره‌گیـری از رویکـرد سـازه‌انگارانه نشـان می‌دهنـد کـه بازتعریـف هویـت ملـی ترکیـه بـر پایـه نوعثمان‌گرایـی، موجـب تغییـر در برداشـت ایـن کشـور از منافـع ملـی و افزایـش توجـه بـه محیـط پیرامونـی شـده اسـت. نتایـج پژوهـش بیانگـر آن اسـت کـه ایـن تحـول، زمینـه مداخلـه فعال‌تـر ترکیـه در بحران‌هـای منطقـه‌ای و گسـترش رقابـت ژئوپلیتیکـی آن بـا بازیگـران مهـم غـرب آسـیا، از جملـه ایـران، را فراهـم سـاخته اسـت.

فتوحـی بنه‌کهـل و همـکاران (۲۰۲۴) در مقالـه‌ای بـا عنـوان «تحلیـل ژئوپلیتیـک نقـش نوعثمان‌گرایـی ترکیـه در تقویـت و جهت‌دهـی گروه‌هـای سـلفی در سـوریه» پیونـد میـان اندیشـه نوعثمان‌گرایـی و سیاسـت منطقـه‌ای ترکیـه را تحلیـل کرده‌انـد. نویسـندگان اسـتدلال می‌کننـد کـه راهبـرد نوعثمان‌گرایـی، ترکیـه را بـه حضـور فعـال در بحـران سـوریه سـوق داده و ایـن کشـور بـرای گسـترش نفـوذ سیاسـی، امنیتـی و اقتصـادی خـود از ظرفیـت برخـی بازیگـران غیردولتـی نیـز بهـره گرفتـه اسـت. هرچنـد برخـی نتایـج ایـن پژوهـش نیازمنـد مقایسـه بـا سـایر مطالعـات اسـت، امـا مقالـه تصویـری روشـن از ابعـاد ژئوپلیتیکـی سیاسـت منطقـه‌ای ترکیـه ارائـه می‌دهـد.

خان‌محمـدی و رئیسـی‌نژاد (۲۰۲۳) در مقالـه‌ای بـا عنـوان «از نوعثمان‌گرایـی تـا قـرن ترکـی: تـلاش ترکیـه بـرای تبدیـل شـدن بـه قـدرت جهانـی» تحـول سیاسـت خارجـی ترکیـه را از رویکـرد

نوعثمان‌گرایی به راهبرد موسوم به «قرن ترکی» بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ناکامی سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه پس از تحولات جهان عرب و دگرگونی‌های داخلی، زمینه تغییر اولویت‌های راهبردی این کشور را فراهم کرده است. نویسندگان تأکید می‌کنند که سیاست جدید ترکیه بر گسترش نفوذ در اوراسیا، تقویت پیوندهای قومی، توسعه جایگاه ترانزیتی و بهره‌گیری هم‌زمان از ظرفیت‌های سخت و نرم قدرت استوار شده است.

متقی و همکاران (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ژئوپلیتیک جایگاه منافع ملی در سیاست خارجی اسلام‌گرایانه کشور ترکیه با رویکرد برساختگرایی» تحول مفهوم منافع ملی در سیاست خارجی ترکیه را بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، الگوی سنتی غرب‌گرایی جای خود را به نگرشی داد که در آن هویت اسلامی، نوعثمان‌گرایی و واقع‌گرایی منطقه‌ای نقش پررنگ‌تری در تعریف منافع ملی ایفا می‌کنند. نویسندگان نتیجه می‌گیرند که این بازتعریف هویتی، زمینه گسترش حضور منطقه‌ای و افزایش نقش‌آفرینی ترکیه در تحولات غرب آسیا را فراهم کرده است.

احمدزاده و صفا (۲۰۲۵) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل راهبردی نوکلاسیک عملیات نظامی ترکیه در سوریه و عراق تا سقوط حکومت اسد» منطق راهبردی مداخلات نظامی ترکیه را تحلیل کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این عملیات‌ها با هدف مقابله پیش‌دستانه با تهدیدهای امنیتی، ایجاد مناطق حائل و جلوگیری از گسترش گروه‌های مسلح کردی انجام شده است. نویسندگان همچنین نقش نوعثمان‌گرایی و ملی‌گرایی ترکی را در شکل‌گیری سیاست امنیتی و منطقه‌ای آنکارا مؤثر ارزیابی می‌کنند.

۲-۲. مطالعات مربوط به محور مقاومت، قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی ایران

انصاری بارده و همکاران (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «پیشران‌ها و پس‌ران‌های داخلی حضور عراق در محور مقاومت» عوامل داخلی مؤثر بر جایگاه عراق در محور مقاومت را بررسی کرده‌اند. نویسندگان با استفاده از نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای نشان می‌دهند که مؤلفه‌هایی همچون هویت مذهبی، جایگاه مرجعیت دینی، پیوندهای فرهنگی با ایران و تجربه مقابله با گروه‌های تروریستی، ظرفیت‌های مهمی برای تقویت نقش عراق در محور مقاومت ایجاد کرده است. در مقابل، مشکلات اقتصادی، فساد اداری، وابستگی مالی و فشارهای خارجی از مهم‌ترین موانع ایفای این نقش به شمار می‌روند.

پورعلی و همکاران (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی دیپلماسی فرهنگی ایران و ترکیه در عراق (۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰)» سیاست‌های فرهنگی دو کشور را در عراق مقایسه کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ایران به دلیل اشتراکات تاریخی، مذهبی و تمدنی از ظرفیت‌های فرهنگی گسترده‌ای برخوردار است، اما تمرکز فراوان بر مؤلفه‌های مذهبی موجب کاهش بهره‌گیری از سایر ابزارهای فرهنگی شده است. در مقابل، ترکیه با برنامه‌ریزی منسجم و استفاده از آموزش، رسانه، گردشگری و پیوندهای اقتصادی توانسته است دامنه نفوذ فرهنگی خود را در عراق به‌طور محسوسی افزایش دهد.

روحی (۲۰۲۵) در مقاله‌ای با عنوان «ایران در دوراهی راهبردی؛ گزینه‌هایی فراتر از محور مقاومت» به بازنگری در راهبرد منطقه‌ای ایران پس از تحولات اخیر غرب آسیا پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کاهش انسجام شبکه هم‌پیمانان منطقه‌ای و محدود شدن ظرفیت بازدارندگی آنان، ایران را به بازاندیشی در شیوه اعمال نفوذ منطقه‌ای واداشته است. نویسنده نتیجه می‌گیرد که تهران ضمن حفظ توان بازدارندگی نظامی، به‌تدریج بر ابزارهای سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک، به‌ویژه در عراق، تأکید بیشتری خواهد داشت.

اسماعیلی و حق‌شناس (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «راهبرد ائتلاف‌سازی ایران در چارچوب سیاست همسایگی با تأکید بر محور مقاومت» ابعاد نظری و عملی سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران را بررسی کرده‌اند. نویسندگان استدلال می‌کنند که ائتلاف‌سازی منطقه‌ای ایران بر پایه پیوندهای تاریخی، فرهنگی، مذهبی و جغرافیایی شکل گرفته و محور مقاومت مهم‌ترین نمود این سیاست است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تداوم این راهبرد، علاوه بر مؤلفه‌های امنیتی، مستلزم تقویت همکاری‌های اقتصادی و توسعه روابط پایدار با کشورهای همسایه است.

مسعودی و نوریان (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «راهپیمایی اربعین و تأثیر آن بر قدرت نرم ایران در عراق؛ رویکرد نظریه عمل» نقش آیین اربعین را در تقویت نفوذ فرهنگی ایران بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این آیین از طریق گسترش تعاملات اجتماعی، همکاری‌های فرهنگی، دیپلماسی عمومی و همگرایی امنیتی، زمینه تعمیق روابط ایران و عراق را فراهم ساخته است. نویسندگان نتیجه می‌گیرند که اربعین به یکی از مهم‌ترین منابع قدرت نرم ایران و تقویت پیوندهای اجتماعی و نهادی میان دو کشور تبدیل شده است.

۲-۳. مطالعات مربوط به رقابت ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه در عراق

عزیزیان و رستمی (2025) در مقاله‌ای با عنوان «تضاد منافع ایران و ترکیه در عراق؛ تحلیلی بر مبنای نظریۀ نوواقع‌گرایی» به بررسی هم‌زمان ابعاد رقابت و همکاری ایران و ترکیه در عراق پرداخته‌اند. نویسندگان با تکیه بر رویکرد نوواقع‌گرایی نشان می‌دهند که هر دو کشور برای حفظ امنیت و افزایش نفوذ منطقه‌ای، در عرصه‌های امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی به رقابت راهبردی روی آورده‌اند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که این رقابت، ضمن ایجاد فرصت‌هایی محدود برای همکاری، موجب افزایش شکنندگی ساختار سیاسی عراق و تشدید بی‌ثباتی امنیتی در این کشور شده است.

نبی و همکاران (۲۰۲۵) در مقاله‌ای با عنوان «اهداف راهبردی ترکیه در تقابل با محور مقاومت؛ مطالعه موردی غرب آسیا» اهداف راهبردی ترکیه در مواجهه با محور مقاومت را بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهار نفوذ جمهوری اسلامی ایران، گسترش نوعثمان‌گرایی و مدیریت تحولات منطقه به سود منافع آنکارا از مهم‌ترین اهداف سیاست منطقه‌ای ترکیه است. نویسندگان همچنین تأکید می‌کنند که رقابت ایران و ترکیه در عراق و سوریه وارد مرحله‌ای جدید شده و افزایش حضور بازیگران نیابتی، احتمال بی‌ثباتی گسترده‌تر منطقه را تقویت کرده است.

صالح و حمدامین (۲۰۲۵) در مقاله‌ای با عنوان «نگرانی‌های امنیتی، پیامدهای راهبردی و پاسخ‌های سیاستی ترکیه در عراق و اقلیم کردستان در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴» سیاست امنیتی ترکیه در عراق را بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آنکارا با بهره‌گیری هم‌زمان از ابزارهای نظامی، اطلاعاتی، دیپلماتیک و اقتصادی، راهبردی چندبعدی برای مقابله با تهدیدهای امنیتی دنبال کرده است. نویسندگان تأکید می‌کنند که استمرار این سیاست، ضمن افزایش نفوذ ترکیه، چالش‌هایی جدی برای حاکمیت عراق و موازنه قدرت منطقه‌ای ایجاد کرده است.

ذبیحی (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان «الگوهای کنش‌گری ایران در ژئوپلیتیک عراق» الگوهای مختلف حضور ایران در عراق را ارزیابی کرده است. نویسنده سه الگوی عدم مداخله، کنش‌گری تعاملی و کنش‌گری مبتنی بر قدرت نرم و پیوندهای اقتصادی را مقایسه کرده و نشان می‌دهد که الگوی سوم از پایداری و اثربخشی بیشتری برخوردار است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که اشتراک‌های تاریخی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی میان دو کشور، مهم‌ترین

پشتوانه تداوم نفوذ ایران در عراق به شمار می‌آید.

بادینه‌الیطیوی و الیطیوی (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان «راهبرد دیپلماتیک ترکیه در عراق؛ تداوم‌ها و دگرگونی‌ها در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳» روند تحول سیاست ترکیه در قبال عراق را بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که امنیت مرزها و منافع اقتصادی، دو محور ثابت سیاست خارجی ترکیه در عراق بوده‌اند و آنکارا هم‌زمان از دیپلماسی، همکاری اقتصادی و حضور نظامی برای تحقق اهداف خود بهره گرفته است. نویسندگان نتیجه می‌گیرند که سیاست ترکیه در عراق بازتابی از تلاش این کشور برای تثبیت جایگاه خود به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای است.

برآیند مقایسه مطالعات پیشین نشان می‌دهد که اگرچه ادبیات موجود ابعاد مهمی از نوعثمان‌گرایی ترکیه، محور مقاومت ایران، قدرت نرم و رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور در عراق را پوشش داده است، اما سه خلأ عمده همچنان باقی است. نخست، از نظر نظری، میان ادبیات مربوط به نوعثمان‌گرایی و محور مقاومت و نظریه امنیتی‌سازی پیوندی منسجم برقرار نشده است؛ به‌ویژه آنکه کمتر مطالعه‌ای فرایند تبدیل اختلافات و رقابت‌های منطقه‌ای به تهدیدهای امنیتی و همچنین حرکت معکوس از امنیتی‌سازی به غیرامنیتی‌سازی را به‌طور هم‌زمان بررسی کرده است. دوم، از نظر تجربی، بخش قابل‌توجهی از مطالعات بر یکی از دو بازیگر یا بر یک حوزه خاص از نفوذ و مداخله تمرکز کرده‌اند و در نتیجه، الگوی تعاملی و مقایسه‌ای رفتار ایران و ترکیه در عراق کمتر مورد توجه قرار گرفته است. سوم، کمتر پژوهشی پیامدهای این رقابت را به‌صورت هم‌زمان در پنج بخش سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی بررسی کرده و ارتباط آن را با ثبات، حاکمیت و ظرفیت امنیتی دولت عراق نشان داده است. ازاین‌رو، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از نظریه امنیتی‌سازی مکتب کپنهاگ و روش تحلیل مضمون، می‌کوشد این خلأ را از طریق مقایسه تطبیقی کنش‌های ایران و ترکیه و تحلیل هم‌زمان فرایندهای امنیتی‌سازی و غیرامنیتی‌سازی در پنج بخش امنیتی پر کند. در واقع نوآوری پژوهش حاضر در ارائه چارچوبی تحلیلی برای تبیین تأثیر متقابل این دو راهبرد منطقه‌ای بر محیط امنیتی عراق، با تلفیق ابعاد ژئوپلیتیکی، امنیتی، هویتی و راهبردی و واکاوی هم‌زمان رفتار دو قدرت منطقه‌ای در یک الگوی منسجم تحلیلی است.

۳. چارچوب مفهومی-نظری

۳-۱. مفاهیم

الف) نوعثمان‌گرایی

نوعثمانی‌گرای‌ی به‌عنوان یک پروژه‌ی فکری و سیاسی، نه بازگشت به امپراتوری عثمانی، بلکه بازآفرینی هویت ملی ترکیه بر اساس میراث چندفرهنگی و جهان‌وطنی عثمانی است. این مفهوم که نخستین‌بار توسط روشنفکرانی چون یحیی کمال بیاتلی و احمد حمدی تانپینار در ادبیات ترکیه شکل گرفت، پاسخی به پروژه‌ی یکدست‌ساز کمالیستی بود که با نفی گذشته‌ی عثمانی، هویتی سکولار و غرب‌گرا را تحمیل می‌کرد (Yavuz, 2016: 447-448). نوعثمانی‌گری به‌مثابه «آگاهی از گذشته‌ی امپراتوری» عمل می‌کند و بر خاطره‌ی جمعی، سنت‌های هنری، معماری، موسیقی و آداب اجتماعی تکیه دارد. این جریان فکری در دهه‌ی ۱۹۹۰ با سیاست‌های نولیبرال تورگوت اوزال پیوند خورد و به بازسازی حافظه‌ی عثمانی در فضای عمومی انجامید (Ivaylo, 2019: 148).

دو روایت اصلی از نوعثمانی‌گری قابل تشخیص است: روایت اوزال که چندفرهنگی‌گرا، غرب‌گرا و مبتنی بر همزیستی گروه‌های قومی و مذهبی بود (Yavuz, 2016: 443) و روایت اردوغان و حزب عدالت و توسعه که ماهیتی اسلام‌گرا، ضدغربی و ماجراجویانه دارد (Wast-nidge, 2019: 12). در شکل‌گیری این جریان، عوامل متعددی نقش داشتند: بحران هویت ملی، شکست پروژه‌ی همگن‌سازی کمالیستی، دموکراتیزاسیون و گسترش جامعه‌ی مدنی و تحولات بین‌المللی مانند فروپاشی شوروی و جنگ بوسنی. نوعثمانی‌گری امروز به ابزاری برای مدیریت تنوع قومی، پاسخ به چالش کردی و گسترش نفوذ منطقه‌ای ترکیه در بالکان، قفقاز و خاورمیانه تبدیل شده است (Yavuz, 2016: 452-456). این مفهوم بیش از آنکه بازتابی از تاریخ واقعی باشد، نمایانگر اشتیاق به شکوه ازدست‌رفته، احساس طردشدگی از اروپا، و تلاش برای بازتعریف جایگاه ترکیه در نظام جهانی است.

ب) محور مقاومت

«محور مقاومت» مفهومی سیاسی-گفتمانی و برآمده از اصول بنیانی انقلاب اسلامی ایران است که در واکنش به نظم هژمونیک مورد حمایت ایالات متحده و در تقابل با مفهوم «محور شرارت»

مطـرح شـد (Woertz et al., 2026: 7). ایـن مفهـوم در معنـای عـام، بـه مجموعـه‌ای از دولت‌هـا و بازیگـران غیردولتـی اطـلاق می‌شـود کـه بـر مقاومـت در برابـر سـلطه خارجـی، نفـی وابسـتگی و مخالفـت بـا مداخـلات قدرت‌هـای بـزرگ تأکیـد دارنـد. گفتمـان مقاومـت از دو مؤلفـه سـلبی و ایجابـی تشـکیل می‌شـود؛ مؤلفـه سـلبی بـر نفـی ظلـم، سـلطه و اسـتبداد و مؤلفـه ایجابـی بـر عدالت‌خواهـی، حق‌طلبـی، آزادی، عـزت، اسـتقلال، صلـح و حمایـت از مسـتضعفان اسـتوار اسـت. در ایـن چارچـوب، ایدئولـوژی و برخـورداری از پشـتوانه اجتماعـی، مهم‌تریـن منابـع قـدرت مقاومـت در برابـر برتـری مـادی بازیگـران قدرتمنـد محسـوب می‌شـوند (Abbaszadeh & Islami, 2025: 107-108).

در سـطح منطقـه‌ای، محـور مقاومـت را می‌تـوان نوعـی ترتیبـات امنیتـی غیررسـمی و شـبکه‌ای دانسـت کـه بـر پایـه اشـتراکات ژئوپلیتیکـی، ایدئولوژیـک و راهبـردی و بـا منطـق موازنـه تهدیـد شـکل گرفته اسـت. ایـن شـبکه مجموعـه‌ای از بازیگـران دولتـی و غیردولتـی، از جملـه ایـران، گروه‌هایـی در عـراق، انصارالله یمـن، حزب‌اللـه لبنـان و برخـی گروه‌هـای فلسـطینی و سـایر نیروهـای مقاومـت را دربرمی‌گیـرد کـه در سـطوح مختلـف از منافـع و اهـداف مشـترک برخوردارنـد (Nasre-Efahani et al., 2023: 240). ایـن بازیگـران، علی‌رغـم تفـاوت در ماهیـت سـازمانی و ظرفیت‌هـای مـادی، در مخالفـت بـا سـلطه خارجـی، حمایـت از آرمـان فلسـطین و تأمیـن امنیـت مشـترک دارای هم‌پوشـانی هسـتند. از ایـن منظـر، محـور مقاومـت را می‌تـوان شـبکه‌ای چندسـطحی از کنشـگران دانسـت کـه بـا اتـکا بـه پیوندهـای هویتـی و راهبـردی، در معـادلات امنیتـی خاورمیانـه نقش‌آفرینـی می‌کنـد (Nabavi et al., 2025: 89).

۳-۲. نظریه امنیتی‌سازی

تحـولات مطالعـات امنیتـی پـس از پایـان جنـگ سـرد، بـا گسـترش مفهـوم امنیـت و فاصله‌گیـری از رویکردهـای سـنتی دولت‌محـور همـراه شـد. در ایـن میـان، مکتـب کپنهـاگ بـا توسـعه نظریـه امنیتی‌سـازی، امنیـت را نـه واقعیتـی عینـی و ثابـت، بلکـه برسـاخته‌ای اجتماعـی و گفتمانـی دانسـت کـه از طریـق فرایندهـای سیاسـی و زبانـی شـکل می‌گیـرد (Filimon, 2016: 55). بـر اسـاس ایـن رویکرد، موضوعـات ذاتـاً امنیتـی نیسـتند، بلکـه از طریـق فراینـدی موسـوم بـه «امنیتی‌سـازی» بـه مسـائل امنیتـی تبدیـل می‌شـوند (Knudsen, 2001: 358). اولـه ویـور «کنـش گفتـاری» را هسـته مرکـزی ایـن فراینـد می‌دانـد؛ به‌گونـه‌ای کـه بازیگـر امنیتی‌سـاز بـا معرفـی یـک پدیـده به‌عنـوان تهدیـدی وجـودی علیـه بقـا، هویـت یـا منافـع حیاتـی یـک مرجـع امنیتـی، آن را از حـوزه سیاسـت عـادی خـارج و وارد قلمـرو امنیـت می‌کنـد (Wæver, 2007: 73; Buzan, 1998: 22-24). ازایـن‌رو، امنیـت بیـش از آنکـه

به ماهیت عینی تهدید وابسته باشد، به نحوه بازنمایی و پذیرش آن وابسته است و بیان تهدید می‌تواند مشروعیت اقدامات فوق‌العاده را فراهم سازد (Wæver, 2007: 74).

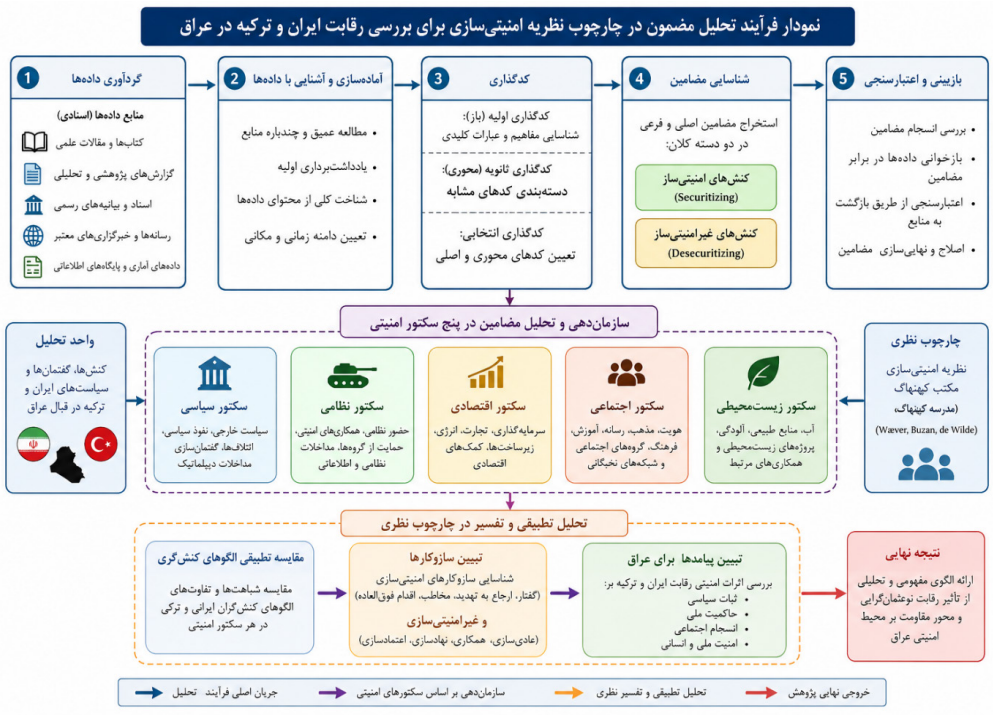
فرایند امنیتی‌سازی در مکتب کپنهاگ بر پنج عنصر اصلی استوار است: بازیگر امنیتی‌ساز که تهدید وجودی را تعریف می‌کند؛ مرجع امنیت که بقای آن در معرض خطر معرفی می‌شود؛ تهدید وجودی که استمرار مرجع امنیت را تهدید می‌کند؛ مخاطبان که پذیرش آنان شرط موفقیت امنیتی‌سازی است؛ و اقدامات فوق‌العاده که پس از پذیرش تهدید، خارج از رویه‌های عادی سیاست‌گذاری و در چارچوب منطق استثناء توجیه می‌شوند (Nyman, 2013: 53-54). بنابراین، امنیتی‌سازی فرایندی بیناذهنی است که در تعامل میان بازیگران و مخاطبان شکل می‌گیرد و تمرکز آن بر شیوه‌های گفتمانی، الگوهای بازنمایی و سازوکارهای مشروعیت‌بخشی به تهدید است، نه صرفاً ماهیت واقعی آن (Filimon, 2016: 56-57).

یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های مکتب کپنهاگ، گسترش تحلیل امنیت به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است. در بخش نظامی، بقای دولت و تمامیت ارضی در برابر تهدیدهای نظامی محور امنیتی‌سازی قرار می‌گیرد؛ در بخش سیاسی، حاکمیت، استقلال و مشروعیت سیاسی مرجع امنیت اهمیت می‌یابد؛ در بخش اقتصادی، منابع، ثبات اقتصادی و دسترسی به بازارها و نظام‌های مالی در معرض تهدید قرار می‌گیرند؛ در بخش اجتماعی، هویت جمعی، انسجام اجتماعی و تداوم الگوهای هویتی موضوع امنیتی‌سازی است؛ و در بخش زیست‌محیطی، بقای جوامع و دولت‌ها در برابر تخریب محیط‌زیست و تهدیدهای اکولوژیک مورد توجه قرار می‌گیرد (Buzan, 1998: 22-23). از این منظر، نظریه امنیتی‌سازی با تأکید بر گفتمان، کنش گفتاری و پذیرش بیناذهنی، چارچوبی چندبعدی برای تحلیل چگونگی تبدیل مسائل مختلف به تهدیدهای امنیتی و توجیه اقدامات فوق‌العاده فراهم می‌کند.

٤. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر رویکرد، کیفی و از حیث روش، توصیفی-تحلیلی است که با هدف تبیین تأثیر رقابت راهبردی ایران و ترکیه بر محیط امنیتی عراق انجام شده است. داده‌های پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، شامل کتاب‌ها، مقالات علمی-پژوهشی، گزارش‌های معتبر، اسناد و منابع رسمی و داده‌های منتشرشده در پایگاه‌های خبری و پژوهشی گردآوری شده است. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون بهره گرفته شده و مضامین و الگوهای مرتبط

با کنش‌های امنیتی‌ساز و غیرامنیتی‌ساز دو بازیگر شناسایی و در چارچوب نظریه امنیتی‌سازی مکتب کپنهاگ تفسیر شده‌اند. در این راستا، داده‌های گردآوری‌شده بر اساس پنج بخش امنیتی شامل سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی سازمان‌دهی و تحلیل شده‌اند. واحد تحلیل، کنش‌ها، گفتمان‌ها و سیاست‌های ایران و ترکیه در قبال عراق است و با مقایسه تطبیقی الگوهای کنش‌گری دو کشور، تلاش شده است سازوکارهای امنیتی‌سازی، غیرامنیتی‌سازی و پیامدهای آن‌ها برای ثبات، حاکمیت و امنیت عراق تبیین شود.



نمودار ۱. نمودار فرایند تحلیل مضمون پژوهش منبع: (نگارنده / بهره‌گرفته شده از هوش‌مصنوعی در ترسیم نهایی)

۵. آوردگاه‌های رقابت ایران و ترکیه در عراق

۵-۱. جریانات سیاسی

از منظر بخش سیاسی نظریه امنیتی‌سازی، موضوع مرجع در این میدان، مشروعیت و ثبات

ساختار حکمرانی عراق است؛ ساختاری که هر دو رقیب می‌کوشند آن را مطابق روایت خود بازتعریف کنند.

کنشگر امنیتی‌ساز ایران عمدتاً از طریق «چارچوب هماهنگی شیعی» که در انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۲۵ با کسب نزدیک به ۱۶۵ کرسی از ۳۲۹ کرسی، بزرگ‌ترین بلوک پارلمان را تشکیل داد، عمل می‌کند. با این حال، این چارچوب از انسجام درونی یکسانی برخوردار نیست: دو جناح اصلی آن، ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری المالکی (با ۲۹ کرسی) (Amwaj.media, 2025) و ائتلاف بازسازی و توسعه به رهبری محمد شیاع السودانی (با ۴۶ کرسی)، بر سر نامزدی نخست‌وزیری به رقابت آشکار افتادند (Azizi & Weren-fels, 2026: 2)؛ رقابتی که پس از مخالفت دولت آمریکا علیه بازگشت مالکی به بن‌بستی چندماهه انجامید و سرانجام با روی‌کارآمدن علی الزیدی به‌عنوان نخست‌وزیر موقتاً حل شد (Al Jazeera, 2026). این رویداد نشان می‌دهد که کنش امنیتی‌ساز ایران در این بخش، هرچند در سطح کرسی‌های پارلمانی مسلط است، اما در برابر یک کنشگر امنیتی‌ساز ثالث (ایالات متحده، از طریق اعمال وتوی غیررسمی بر نامزدهای نزدیک به تهران) آسیب‌پذیر باقی مانده است؛ نشانه‌ای از اینکه میدان سیاسی عراق دیگر صرفاً عرصه رقابت دوجانبه ترکیه-ایران نیست، بلکه محل تلاقی امنیتی‌سازی‌های چندجانبه است.

کنش گفتاری محور مقاومت در این بخش، بر ضرورت حفظ «انسجام جبهه شیعی در برابر بازگشت تروریسم و مداخله خارجی» استوار است؛ نمونه بارز اقدام فوق‌العاده ناشی از این کنش گفتاری، تخصیص بودجه ویژه برای حشدالشعبی است؛ اقدامی که فراتر از رویه عادی تخصیص بودجه به نهادهای نظامی رسمی است (Dodge, 2020: 9).

کنشگر امنیتی‌ساز ترکیه در مقابل، الگویی متفاوت و کمتر مبتنی بر گفتمان تهدید را دنبال می‌کند. سفر اردیبهشت ۲۰۲۴ اردوغان به عراق (نخستین سفر او پس از سیزده سال) دیدار او با السودانی و امضای موافقت‌نامه چارچوب راهبردی همراه با ۲۶ یادداشت تفاهم (Saleh & Hamadamin, 2025: 6)، نشان‌دهنده رویکردی نهادینه‌شده و مستمر است که مستقل از تغییر دولت‌ها ادامه می‌یابد؛ برای نمونه، بلافاصله پس از انتصاب الزیدی به نخست‌وزیری در ۲۰۲۶، اردوغان از او برای سفر به آنکارا دعوت کرد (kurdpress, 2026)؛

رفتاری که پیوستگی راهبرد ترکیه را صرف‌نظر از ترکیب دقیق ائتلاف حاکم در بغداد نشان می‌دهد. این امر را می‌توان نمونه‌ای از غیرامنیتی‌سازی دانست: ترکیه به‌جای تعریف رابطه با بغداد بر مبنای تهدید یا فوریت، آن را در قالب دیپلماسی رسمی و پایدار دولت‌به‌دولت بازتعریف کرده است.

از دید نظری؛ در بخش سیاسی، محور مقاومت با اتکا به کنش گفتاری تهدیدمحور و شبکه‌ای از احزاب ایدئولوژیک، به مشروعیتی تثبیت‌شده اما شکننده (به دلیل شکاف‌های درونی و آسیب‌پذیری در برابر وتوی قدرت‌های فرامنطقه‌ای) دست یافته است؛ در حالی‌که نوعثمان‌گرایی ترکیه با پرهیز از کنش گفتاری امنیتی و تکیه بر نهادسازی دیپلماتیک مستمر، مشروعیتی کم‌تنش‌تر اما وابسته به حسن‌نیت متقابل دولت‌های متعاقب عراق کسب کرده است.

۵-۲. رویدادهای نظامی

در بخش نظامی، آمریکا، ایران و ترکیه از کنشگران اصلی و دیرپای محیط امنیتی عراق به شمار می‌روند؛ اما از سال ۲۰۲۶، نقش اسرائیل به‌عنوان کنشگری جدیدتر در تشدید و بازتولید برخی فرایندهای امنیتی‌سازی اهمیت بیشتری یافته است. ورود اسرائیل به این معادله، رقابت ایران و ترکیه را در چارچوب محیطی امنیتی چندبازیگر و پیچیده‌تر قرار داده است.

کنشگر امنیتی‌ساز ترکیه از سال‌ها پیش، حضور پ.ک.ک در شمال عراق را تهدیدی وجودی علیه امنیت مرزی صورت‌بندی کرده و اقدامات فوق‌العاده متعددی در پی آن اتخاذ کرده است: عملیات‌های «پنجه عقاب »، «پنجه ببر»، «پنجه صاعقه» و «پنجه آذرخش» ترکیه علیه حزب کارگران کردستان (Outzen, 2022)، و در نهایت یادداشت تفاهم امنیتی مارس ۲۰۲۴ که طی آن، برای نخستین‌بار، بغداد رسماً پ.ک.ک را «سازمانی ممنوعه» اعلام کرد و پذیرفت که حضور این گروه «نقض قانون اساسی عراق» است (International Crisis Group, 2025: 7-8). در واقع اعلام ممنوعیت فعالیت پ.ک.ک عملاً دولت عراق را موظف می‌کرد تا فعالیت‌های سیاسی این گروه را متوقف سازد؛ اما برخلاف قرار دادن یک گروه در فهرست سازمان‌های تروریستی، این تصمیم نیروهای عراقی را ملزم به اقدام نظامی علیه پ.ک.ک نمی‌کرد؛ اقدامی که ترکیه ترجیح می‌داد در دستور کار بغداد قرار گیرد.



نقشه ۱. موقعیت‌های مجموعه عملیات‌های پنجه ترکیه در خاک عراق علیه پ‌ک‌ک

Source: (Aydogdu, 2026: 56)

نقطه عطف واقعی اما در ۲۰۲۵ رخ داد: پس از فراخوان عبدالله اوجالان (۲۷ فوریه ۲۰۲۵) برای انحلال پ.ک.ک، این سازمان در ۱۲ مه ۲۰۲۵ رسماً انحلال خود را اعلام کرد، در ۱۱ ژوئیه ۲۰۲۵ نخستین محموله سلاح‌ها را در سلیمانیه نابود کرد، و سرانجام در ۲۶ اکتبر ۲۰۲۵ خروج کامل نیروهای خود از خاک ترکیه به شمال عراق را اعلام نمود (Grasso, 2025: 452-454). این فرایند نمونه‌ای کم‌نظیر از گذار موفق به غیرامنیتی‌سازی است: تهدیدی که چهار دهه در قاب اضطراری-نظامی صورت‌بندی می‌شد، از طریق مذاکره و پذیرش دوسویه، به فرایندی سیاسی-حقوقی بازگردانده شد.

در نقطه مقابل، کنشگر امنیتی‌ساز ایران عمدتاً از طریق شبکه حشدالشعبی و چتر «مقاومت اسلامی در عراق» عمل می‌کند که موضوع مرجع آن نه امنیت مرزی عراق، بلکه بقا و توان بازدارندگی محور مقاومت در برابر آمریکا و اسرائیل است. با آغاز جنگ ایران در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، این میدان به‌شدت دوباره امنیتی شد: حملات هوایی آمریکا/اسرائیل علیه مواضع این شبه‌نظامیان در عراق، در مقابل با پرتاب موشک و پهپاد این گروه‌ها به‌سوی پایگاه‌های آمریکایی و همچنین اقلیم کردستان عراق (نزدیک به ۲۰۰ حمله تا ۱۱ مارس ۲۰۲۶) پاسخ داده

شد (Bechlaghem, 2026: 554). این وضعیت عملاً عراق را به «طرف درگیر» جنگی تبدیل کرد که خود در آن نقشی نداشت.

در واقع، این جنگ را می‌توان نقطه عطفی در ورود مستقیم‌تر و آشکارتر اسرائیل به‌عنوان کنشگر ثالث امنیتی‌ساز به این معادله دانست. برخلاف ترکیه که تهدید اصلی خود را در مسئله پ.ک.ک و امنیت مرزهایش تعریف می‌کند، اسرائیل حضور و توانمندی گروه‌های مسلح نزدیک به ایران در عراق را در امتداد تهدید منطقه‌ای ایران و شبکه مقاومت صورت‌بندی می‌کند. از این منظر، عراق برای اسرائیل نه صرفاً یک کشور هم‌منطقه‌ای یا بازیگری مستقل، بلکه بخشی از محیط عملیاتی شبکه‌ای است که ظرفیت اقدام علیه منافع اسرائیل را دارد. مشارکت گروه‌های عراقی نزدیک به ایران در این جنگ نیز این برداشت را تقویت و زمینه تشدید منطق بازدارندگی و پاسخ نظامی را فراهم کرد.

از دید نظری، مسیر تحول این بخش در سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ نشان می‌دهد که دو روند متفاوت به‌طور هم‌زمان در محیط امنیتی عراق جریان داشته است: از یک سو، ترکیه در مسئله پ.ک.ک از منطق تقابل نظامی به سوی مذاکره و غیرامنیتی‌سازی حرکت کرده است؛ از سوی دیگر، ورود مستقیم‌تر اسرائیل به منازعه با شبکه‌های نزدیک به ایران و واکنش متقابل گروه‌های مقاومت، موجب تشدید امنیتی‌سازی در بخش نظامی شده است. بنابراین، حضور کنشگران ثالث، به‌ویژه اسرائیل و آمریکا، سبب شده است عراق نه صرفاً میدان رقابت ایران و ترکیه، بلکه محل تلاقی چندین فرایند امنیتی‌سازی متقابل باشد؛ وضعیتی که ظرفیت دولت عراق برای حفظ انحصار تصمیم‌گیری امنیتی و جلوگیری از سرریز منازعات منطقه‌ای به قلمرو خود را بیش از پیش محدود می‌کند.

۵-۳. اقتصاد و انرژی

در بخش اقتصادی، موضوع مرجع رفاه اقتصادی، امنیت انرژی و استقلال مالی از فشارهای بیرونی است. تفاوت اصلی دو رقیب در این میدان، نه در وجود یا عدم وجود کنش امنیتی‌ساز، بلکه در منشأ آن است: ترکیه خود کنشگر اصلی صورت‌بندی‌کننده روابط اقتصادی با عراق است، در حالی‌که اهرم اقتصادی ایران عمدتاً توسط یک کنشگر ثالث (ایالات متحده) امنیتی‌سازی و بی‌اثر شده است.

کنش ترکیه بر پایه راهبرد غیرامنیتی‌سازی از طریق وابستگی متقابل استوار است. عراق در ۲۰۲۵ با نزدیک به ۱۱.۴ میلیارد دلار صادرات، همچنان از مقاصد اصلی کالای ترکیه‌ای باقی ماند (Göçer, D. & Altun Ş k, 2026). نمونه بارز این رویکرد، توافق‌نامه چارچوب مکانیسم مالی همکاری‌های آبی (موسوم به «نفت در برابر آب») است که در نوامبر ۲۰۲۵ امضا شد: بر اساس آن، درآمد فروش روزانه مقداری مشخص نفت عراق به حسابی اختصاصی واریز می‌شود تا صرف پرداخت به شرکت‌های ترکیه‌ای برای اجرای طرح‌های زیرساخت آبی گردد. همچنین، در جریان خشکسالی‌های شدید تابستان ۲۰۲۵، ترکیه با اتخاذ رویکردی عمل‌گرایانه، میزان رهاسازی آب از سد ایلیسو را به ۴۲۰ مترمکعب در ثانیه افزایش داد تا به کاهش کمبود آب عراق کمک کند (Ghannoudi, 2026: 3). این توافق را می‌توان کنش گفتاری کلاسیک غیرامنیتی‌سازی دانست: بحران آبی که خود می‌توانست به‌عنوان تهدید وجودی علیه امنیت غذایی و بقای کشاورزی عراق صورت‌بندی شود، از طریق قرارداد مالی به یک رابطه تجاری-فنی عادی بازگردانده شد. هرچند ممکن است که فقدان سهمیه‌های الزام‌آور و سازوکار نظارتی مستقل، عملاً حاکمیت آبی عراق را به نفع آنکارا محدود کند.

پروژه «راه توسعه» نیز در همین راستا، عراق را به گره اصلی کریدور انرژی و ترانزیت خلیج فارس-اروپا تبدیل می‌کند. این پروژه، به‌عنوان کلان‌ابتکار زیرساختی مشترک عراق و ترکیه با هزینه برآوردی ۱۷میلیارد دلار (Koc, 2025: 693)، نمونه‌ای تمام‌عیار از راهبرد وابستگی متقابل نوعثمانی است. آنکارا در چارچوب توافق چهارجانبه با عراق، امارات و قطر، متعهد به سرمایه‌گذاری نزدیک به ۱۹.۹ میلیارد دلار برای ساخت بخش ترکیه‌ای این کریدور (شامل ۱۶۵۵ کیلومتر خط ریلی جدید) شده است (Yildirim, 2024). تا اوایل ۲۰۲۶، طراحی فنی پروژه به ۸۷ درصد (بخش ریلی) و ۷۳ درصد (بخش جاده‌ای) رسیده و نخستین قطعه ۶۳ کیلومتری وارد فاز اجرا شده است (Eft-ekhari, 2026). این پروژه با تبدیل عراق به گره ترانزیتی خلیج فارس-اروپا، همان منطق غیرامنیتی‌سازی از طریق وابستگی اقتصادی بلندمدت را در مقیاسی به‌مراتب بزرگ‌تر از توافق آبی بازتولید می‌کند.



نقشه ۲. مسیرهای جاده‌ای و ریلی پروژه راه توسعه (Source: (Yildiz, 2024: 5

کنش امنیتی‌ساز آمریکا علیه اقتصاد انرژی ایران در عراق اما نقطه مقابل این تصویر است. واشنگتن در فوریه ۲۰۲۵ از طریق «یادداشت امنیت ملی ریاست جمهوری (اناس‌پی‌ام-۲)» کمپین «فشار حداکثری» را از سر گرفت. بر اساس این یادداشت، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای نزدیک به آن باید مختل، تضعیف یا از دسترسی به منابعی که فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده آن‌ها را تداوم می‌بخشد، محروم شوند. همچنین در این یادداشت تصریح شده است که وزیر خزانه‌داری باید فوراً تحریم‌ها یا اقدامات اجرایی مقتضی را علیه تمامی اشخاصی که شواهدی از نقض یک یا چند مورد از تحریم‌های مرتبط با ایران درباره آن‌ها در اختیار دارد، اعمال کند (Knights, 2025: 15).

پیامد این کنش گفتاری امنیتی‌ساز کاملاً ملموس بود. در همین راستا، ایالات متحده در مارس ۲۰۲۵ معافیت تحریمی عراق برای واردات برق از ایران را لغو کرد (Mohsin, 2026). همچنین، در جریان جنگ چهل‌روزه، حملات آمریکا به تأسیسات گازی ایران، از جمله مجتمع گازی عسلویه، موجب کاهش و حتی توقف صادرات گاز ایران به عراق شد. این تحول ضربه‌ای جدی به تولید

بـرق عـراق وارد کـرد، به‌گونـه‌ای کـه بیـش از ۳٫۱ گیـگاوات از ظرفیـت شـبکه ملـی بـرق ایـن کشـور از دسـترس خـارج شـد (New Region, 2026). اکنـون بغـداد بـرای جبـران ایـن کمبـود، در پـی یافتـن منابـع جایگزیـن اسـت. یکـی از مهم‌تریـن گزینه‌هـای مطـرح از دیربـاز، واردات گاز ترکمنسـتان بـوده اسـت. بـا ایـن حـال، طـرح انتقـال گاز ترکمنسـتان بـه عـراق از طریـق خـاک ایـران، بـه دلیـل امتنـاع واشـنگتن از صـدور معافیـت تحریمـی، عمـلاً متوقـف مانـده اسـت (Kennedy, 2025). مخاطـب ایـن کنـش امنیتی‌سـاز، در عمـل خـودِ عـراق اسـت کـه بـا وجـود میـل بـه حفـظ روابـط انـرژی بـا ایـران، ناچـار بـه پذیـرش اقـدام فوق‌العـاده (تنوع‌بخشـی اجبـاری منابـع انـرژی) شـده اسـت.

از دیـد نظـری؛ در بخـش اقتصـادی، نوعثمان‌گرایـی ترکیـه بـا موفقیـت توانسـته اهـرم اقتصـادی را در قالـب قراردادهـای رسـمی و بلندمـدت نهادینـه و غیرامنیتـی کنـد؛ در مقابـل، اهـرم اقتصـادی محـور مقاومـت در عـراق، به‌جـای آنکـه محصـول یـک کنـش گفتـاری مسـتقل ایرانـی باشـد، عمدتـاً قربانـی امنیتی‌سـازی یـک کنشـگر ثالـث (آمریـکا) شـده اسـت، وضعیتـی کـه ایـران را واداشـته بـه کانال‌هـای غیررسـمی و کمتـر شـفاف به‌عنـوان جایگزیـن ابـزار رسـمی متکـی شـود.

٥-٤. نفوذ نرم

در بخـش اجتماعـی، موضـوع مرجـع هویـت جمعـی و مشـروعیت فرهنگی-مذهبـی اسـت. ترکیـه در ایـن میـدان راهبـردی چندمخاطبـی و تکثرگـرا دارد. در مقابـل، رویکـرد ایـران عمدتـاً بـر تعمیـق پیونـد بـا یـک محـور هویتـی واحـد امـا گسـترده و ریشـه‌دار متمرکـز اسـت.

کنـش ترکیـه بـر پایـه ترویـج یـک هویـت اسـلامی سـنی‌محور و تکثرگـرا بنـا شـده و از کانال‌هایـی چـون تیـکا، آفـاد، موسسـه یونـس امـره، بنیـاد دیانـت و دیپلماسـی رسـانه‌ای (سـریال‌های پرمخاطـب ترکیـه‌ای کـه در بـازار عربی‌زبـان عـراق مخاطـب گسـترده دارنـد) عمـل می‌کنـد (Islam, 2021: 176-177). در میـان ایـن ابزارهـا، تیـکا از حیـث تبدیـل قـدرت نـرم بـه ارتباطـات اجتماعـی ملمـوس اهمیـت ویـژه‌ای دارد. دامنـه فعالیـت تیـکا در عـراق نیـز صرفـاً بـه جامعـه ترکمـان محـدود نمانده اسـت. ایـن نهـاد در سـال‌های اخیـر در شـهرهایی چـون بغـداد، اربیـل، کرکـوک، موصـل و تلعفـر پروژه‌هـای متعـددی در زمینـه آمـوزش، بازسـازی، فعالیت‌هـای اجتماعـی و توسـعه محلـی اجـرا کـرده اسـت. بـرای نمونـه، بازسـازی مراکـز آموزشـی در کرکـوک، ایجـاد کارگاه‌هـای مهارتـی در موصـل و اجـرای طرح‌هـای اجتماعـی در مناطـق ترکمان‌نشـین، امـکان ارتبـاط مسـتقیم بـا گروه‌هـای اجتماعـی و نخبـگان محلـی را فراهـم کـرده اسـت (Tahseen, 2026: 8-11). ایـن نـوع فعالیـت، برخـلاف تبلیغـات رسـانه‌ای کـه

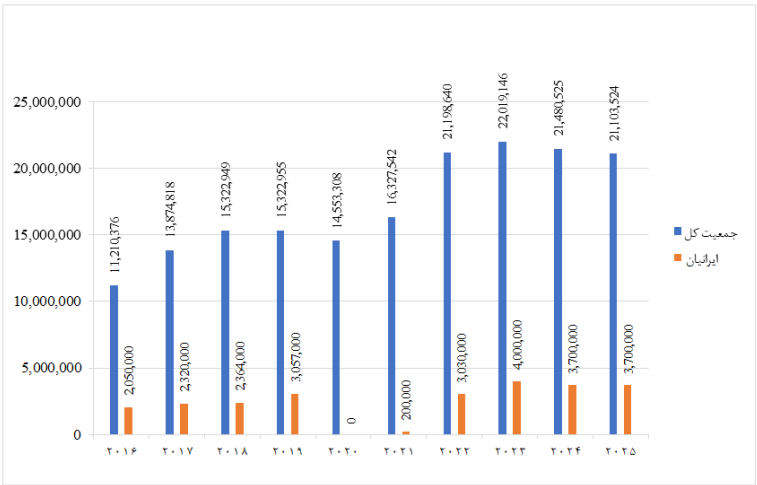
اثر آن بیشتر غیرمستقیم است، از طریق ایجاد منفعت ملموس برای جامعه هدف، زمینه تولید اعتماد و تصویر مثبت از ترکیه را فراهم می‌کند. بااین‌حال، تمرکز بخشی از پروژه‌های تیکا در مناطق ترکمان‌نشین و مناطق دارای پیوند تاریخی با ترکیه نشان می‌دهد که این ابزار، در کنار کارکرد عمومی، از ظرفیت هویتی و ژئوپلیتیکی نیز برخوردار است.

در واقع، آنکارا این ابزارها را فقط در میان اهل‌سنت دنبال نمی‌کند؛ بلکه ترکیه در چارچوب راهبرد قدرت نرم خود در عراق، از پیوندهای تاریخی، قومی و فرهنگی با ترکمنان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهرم‌های نفوذ بهره می‌گیرد. هم‌زمان، آنکارا با تمرکز بر جامعه کرد، به‌ویژه از طریق رسانه، آموزش، همکاری‌های فرهنگی و تقویت مؤلفه‌های هویتی در چارچوب گفتمان نوعثمانی‌گرایی، می‌کوشد افکار عمومی و رفتار سیاسی این دو جامعه را در راستای منافع راهبردی خود جهت‌دهی کرده و دامنه نفوذ فرهنگی و سیاسی خود را در عراق گسترش دهد (Dehshiri & Ghaedi, 2022: 56). در واقع نوعثمانی‌گرایی در عراق به یک گروه هویتی واحد محدود نیست و می‌کوشد با راهبردی تکثرگرا هم‌زمان با تمرکز بر گروه‌های سنی، ترکمن و کرد مشروعیت کسب کند.

کنش ایران اما در این بخش، لایه‌ای پیچیده‌تر از آنچه معمولاً تصور می‌شود دارد. فعالیت رسانه‌ای ایران در عراق بخشی از راهبرد دیپلماسی فرهنگی و دکترین صدور انقلاب جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. در این چارچوب، شبکه‌هایی مانند العالم با تولید محتوای خبری و فرهنگی به زبان عربی، تلاش کرده‌اند بر شکل‌دهی افکار عمومی عراق، چه شیعی و چه سنی، اثر بگذارند. همچنین، همکاری با رسانه‌های عراقی و بهره‌گیری از شبکه‌هایی مانند المیادین، امکان ترویج گفتمان همگرایی، حمایت از محور مقاومت و تقویت پیوندهای فرهنگی و مذهبی میان دو کشور را فراهم کرده است (Dehshiri & Ghaedi, 2022: 56). همچنین ایران نگاه ویژه‌ای به روابط خود با کردستان عراق دارد. اقلیم کردستان عراق به دلیل پیوندهای فرهنگی و قومی با ایران، جایگاه مهمی در راهبرد نفوذ نرم جمهوری اسلامی ایران دارد. ایران از طریق دفاتر نمایندگی خود از جمله سلیمانیه، در پی تقویت نفوذ سیاسی، امنیتی و گسترش دیپلماسی فرهنگی خود با اقلیم کردستان است (Dehshiri & Ghaedi, 2022: 54).

اما مهم‌ترین و گسترده‌ترین ابزار نفوذ نرم ایران در عراق؛ زیرساخت مناسکی-زیارتی پیرامون آیین پیاده‌روی اربعین است. این رویداد سالانه میلیون‌ها زائر شیعه را گرد هم می‌آورد. بر اساس آمارها، عراق در سال ۲۰۲۵ میزبان بیش از ۲۱ میلیون زائر بود (Imam Hussain Holy Shrine,

2025)؛ کـه از ایـن میـان، بیـش از ۳ میلیـون نفـر را زائـران ایرانـی تشـکیل می‌دادنـد (Donya-e-Eqtesad, 2025). برگـزاری ایـن مراسـم، کـه از منظـر جمهـوری اسـلامی ایـران نمـادی از همبسـتگی جهـان تشـیع و انسـجام محـور مقاومـت تلقـی می‌شـود، بـا حمایـت نهـادی گسـترده‌ای از سـوی ایـران همـراه اسـت. بـرای نمونـه، جمعیـت هلال‌احمـر ایـران در جریـان اربعیـن ۲۰۲۵ اعـلام کـرد کـه بیـش از ۴۴ هـزار نیـروی امـدادی را در قالـب طـرح ملـی امـداد و نجـات اربعیـن بـه کار گرفتـه اسـت، طرحـی کـه مجموعـاً ٤,۳۱۷ دسـتگاه انـواع خودروهـای امـدادی، از جملـه ۱,۰۸۲ دسـتگاه آمبولانـس و ۱۸ فرونـد بالگـرد، بـه کار گرفتـه شـد (SNN, 2025). از ایـن منظـر، پیـاده‌روی اربعیـن صرفـاً یـک آییـن مذهبـی نیسـت، بلکـه بسـتری اجتماعـی و فرهنگـی بـرای بازتولیـد هویـت جمعـی شـیعی و تقویـت شـبکه‌های فراملـی همبسـتگی محسـوب می‌شـود؛ شـبکه‌هایی کـه می‌تواننـد، بـدون اتـکا بـه کنش‌هـای گفتـاری تهدیدمحـور، در گسـترش نفـوذ نـرم جمهـوری اسـلامی ایـران نقش‌آفرینـی کننـد.



نمودار ۲. آمار جمعیت کل و جمعیت ایرانیان شرکت کننده در اربعین حسینی (۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵)

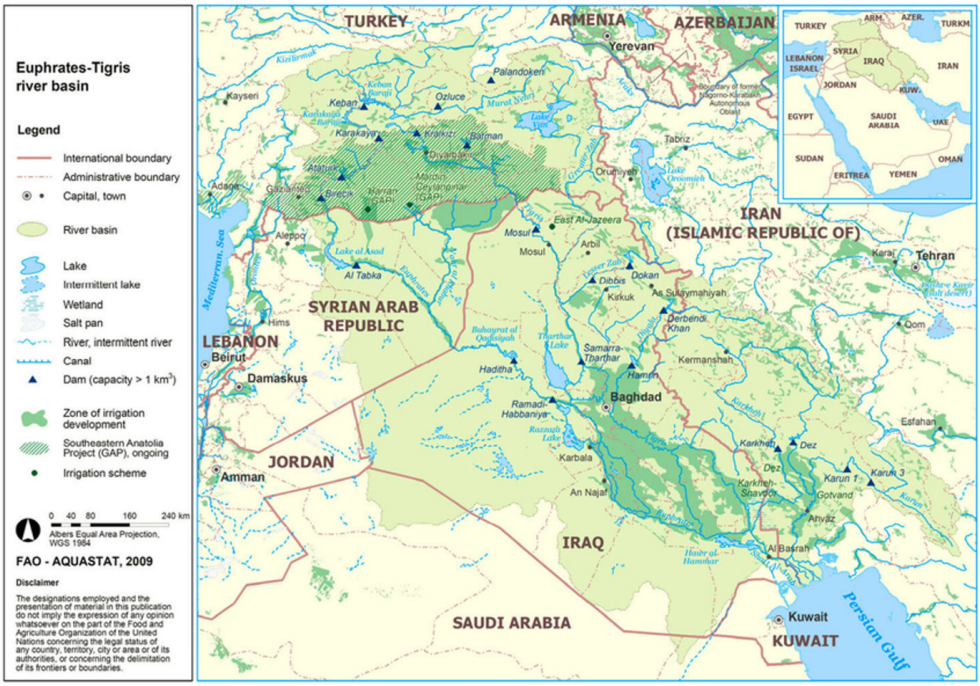
Source: (Qom News Agency, 2025; MDEast News, 2025)

از دیـدگاه نظـری، در بخـش اجتماعـی، نوعثمان‌گرایـی ترکیـه بـا اتخـاذ راهبـردی چندمخاطبـی، می‌کوشـد مشـروعیت و نفـوذ خـود را به‌طـور هم‌زمـان در میـان گروه‌هـای هویتـی مختلـف، از جملـه اهـل سـنت، ترکمان‌هـا و کردهـا، گسـترش دهـد. در مقابـل، محـور مقاومـت، هرچنـد از ظرفیـت تعامـل

بـا گروه‌هـای متنـوع اجتماعـی برخـوردار اسـت، راهبـرد اصلـی خـود را بـر مناسـک و شـعائر شـیعی به‌عنـوان چارچوبـی بـرای ایجـاد همبسـتگی، تولیـد مشـروعیت و بازتولیـد هویـت جمعـی متمرکـز کـرده اسـت. بـه بیـان دیگـر، ترکیـه در ایـن بخـش بـر تنـوع مخاطبـان و گسـترش دامنـه نفـوذ تکیـه دارد، در حالی کـه ایـران بـر تعمیـق نفـوذ در جامعـه هـدف از طریـق پیوندهـای ایدئولوژیـک و مذهبـی تأکیـد می‌کنـد.

۵-۵. هیدروپلیتیک

در بخـش زیسـت‌محیطی، موضـوع مرجـع امنیـت آبـی، بقـای کشـاورزی و ثبـات جمعیتـی اسـت. در ایـن بخـش، ترکیـه بـه دلیـل کنتـرل سـاختاری سرچشـمه هـر دو رود دجلـه و فـرات، کنشـگر اصلـی و تاریخـی امنیتی‌سـازی اسـت؛ نکتـه‌ای کـه بایـد پیـش از هـر تحلیـل دیگـری برجسـته شـود، چـرا کـه مقیـاس نفـوذ آنـکارا بـر کل حوضـه آبریـز عـراق، بـا هیـچ بازیگـر منطقـه‌ای دیگـری، از جملـه ایـران، قابل مقایسـه نیسـت.



نقشه ۳. رودهای عراق و سرچشمه‌های آن‌ها و سدهای مهم عراق، ایران، ترکیه و سوریه
Source: (Day et all., 2021: 12)

ترکیه به دلیل کنترل سرچشمه‌های هر دو رود دجله و فرات، کنشگر اصلی و ساختاری هیدروپلیتیک عراق محسوب می‌شود. حدود ۹۴ درصد از سرچشمه‌های فرات و ۵۱ درصد از سرچشمه‌های دجله در خاک ترکیه قرار دارد (Naderi et al., 2022: 181). پروژه توسعه «جنوب‌شرقی آناتولی (گاپ)»[1] نیز با دربرگرفتن ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه برق‌آبی، ظرفیت ترکیه برای تنظیم جریان آب ورودی به عراق را به‌طور چشمگیری افزایش داده است (Bilgen, 2019: 532). بنابراین، قدرت هیدروپلیتیکی آنکارا صرفاً یک ظرفیت بالقوه نیست، بلکه توانایی بالفعل برای تأثیرگذاری بر امنیت آبی عراق ایجاد کرده است (Pirmohammadi & Niakooee, 2025: 78-79). بااین‌حال، از منظر نظریه امنیتی‌سازی، وجود این ظرفیت مادی به‌تنهایی به معنای امنیتی‌شدن مسئله نیست؛ بلکه زمانی اهمیت امنیتی پیدا می‌کند که کنترل آب در قالب تهدیدی علیه یک موضوع مرجع و از طریق کنش گفتاری و پذیرش مخاطب صورت‌بندی شود.

نمونه تاریخی برجسته این فرایند، اقدام ترکیه در ژانویه ۱۹۹۰ برای پرکردن مخزن سد آتاتورک و توقف کامل جریان فرات به مدت یک ماه بود. این اقدام با اعتراض شدید بغداد و دمشق مواجه شد و حتی عراق را به طرح تهدید نظامی علیه سد واداشت؛ در مقابل، آنکارا نیز با بسیج نیروهای نظامی و تهدید به قطع کامل جریان آب واکنش نشان داد (Wasinger, 2015: 50-51). این رخداد را می‌توان نمونه‌ای روشن از پیوند میان ظرفیت مادی، کنش گفتاری و اقدام فوق‌العاده دانست. آب در این مقطع از یک موضوع سیاست‌گذاری عادی به موضوعی امنیتی تبدیل شد و منطق استثناء بر روابط دو کشور حاکم گردید.

در این فرایند، مخاطبان امنیتی‌سازی نیز اهمیت اساسی دارند. مخاطب نخست، دولت و نهادهای تصمیم‌گیر عراقی بودند که باید تهدید ناشی از کاهش جریان آب را به‌عنوان تهدیدی علیه امنیت کشور می‌پذیرفتند و بر اساس آن واکنش نشان می‌دادند. در سطح گسترده‌تر، افکار عمومی و جوامع کشاورزی و ساکنان مناطق وابسته به دجله و فرات نیز مخاطبان اجتماعی این گفتمان بودند؛ زیرا کاهش آب مستقیماً با معیشت، کشاورزی و بقای جوامع محلی ارتباط داشت. از این منظر، موفقیت امنیتی‌سازی آب در عراق تنها به بیان تهدید از سوی دولت یا نخبگان سیاسی محدود نبود، بلکه به امکان برقراری پیوند میان «کاهش جریان آب» و «تهدید علیه امنیت زندگی و معیشت» در میان مخاطبان وابسته بود.

1. Güneydoğu Anadolu Projesi, (GAP)

تکمیل سد ایلیسو در چارچوب پروژه گاپ، این ظرفیت ساختاری را در دوره معاصر تقویت کرد. بر اساس داده‌های موجود، بهره‌برداری از این سد با کاهش حدود ۴۷ درصدی جریان آب دجله همراه بوده و در فصل تابستان، حدود ۵۰ درصد ساکنان موصل را با کمبود دسترسی به آب مواجه کرده است؛ همچنین حدود ۶۹۶ هزار هکتار از اراضی کشاورزی عراق با کاهش دسترسی به آب آبیاری مواجه شده‌اند (Khalil, 2023: 163). اهمیت این مسئله از منظر امنیتی‌سازی در آن است که پیامدهای مادی پروژه، امکان صورت‌بندی آب به‌عنوان تهدیدی علیه امنیت غذایی، کشاورزی، معیشت و ثبات جمعیتی عراق را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، گاپ و سد ایلیسو صرفاً پروژه‌هایی عمرانی نیستند؛ هنگامی که پیامدهای آنها در گفتمان سیاسی عراق به‌عنوان تهدیدی علیه بقای اقتصادی و اجتماعی کشور بازنمایی شوند، ظرفیت تبدیل‌شدن به موضوع امنیتی را پیدا می‌کنند.

تنها در سال‌های اخیر، آنکارا مسیر خود را تا حدی به‌سوی غیرامنیتی‌سازی نهادینه تغییر داده است. نمونه بارز آن، توافق‌نامه چارچوب مکانیسم مالی همکاری‌های آبی (نفت در برابر آب) است که در ۲ نوامبر ۲۰۲۵ امضا شد (Ghannoudi, 2026: 3). با این حال، فقدان سهمیه آبی الزام‌آور در این توافق نشان می‌دهد که حتی این گام مثبت، همچنان در چارچوب همان نابرابری ساختاری (کنترل کامل ترکیه بر سرچشمه‌ها) صورت گرفته و صرفاً شکل اعمال آن را از تقابل آشکار به وابستگی مالی-دیپلماتیک تغییر داده است، نه اصل نابرابری قدرت را.

در کنار نقش ساختاری و مسلط ترکیه در هیدروپلیتیک عراق، ایران نیز، هرچند در مقیاسی محدودتر، بر برخی زیرحوضه‌های رود دجله در شمال عراق تأثیرگذار است. با وجود آنکه تنها حدود ۹ درصد از منابع آب دجله از ایران سرچشمه می‌گیرد (Grü n, 2024: 18)، اجرای طرح‌های انتقال آب و سدسازی، از جمله تونل انتقال آب نوسود و سد کولَسه، موجب کاهش قابل‌توجه جریان رودهای سیروان و زاب کوچک شده است (Keynoush, 2021). این اقدامات نشان می‌دهد که اگرچه نفوذ هیدروپلیتیکی ایران با ترکیه قابل مقایسه نیست، اما در مقیاس محلی می‌تواند بر امنیت آبی و کشاورزی مناطق شمالی عراق اثرگذار باشد. در واقع نقش ایران با ترکیه در این بخش به هیچ عنوان هم‌تراز نیست؛ دامنه اثرگذاری ایران عمدتاً محدود به بخش‌هایی از اقلیم کردستان است، در حالی‌که کنترل ترکیه بر کل جریان ورودی دجله و فرات، امنیت آبی سراسر عراق (از موصل تا بصره) را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

از دید نظری؛ در بخش زیست‌محیطی، نوعثمان‌گرایی ترکیه، به دلیل کنترل ساختاری و تاریخی سرچشمه‌های هر دو رود اصلی، همچنان کنشگر غالب امنیتی‌سازی این بخش در سطح ملی است؛ رویکرد اخیر آنکارا به‌سوی نهادسازی مالی-دیپلماتیک، گامی به‌سوی غیرامنیتی‌سازی محسوب می‌شود، اما تا زمانی که فاقد سهمیه‌بندی الزام‌آور باشد، بیشتر بازتعریف شکلی نابرابری قدرت است تا رفع آن. نقش ایران در این میان، اگرچه واقعی و برای جوامع محلی کردستان جدی است، اما از نظر مقیاس ملی و ساختاری، در جایگاه دوم و فرعی نسبت به نقش تعیین‌کننده ترکیه قرار دارد.

جدول ۱. تطبیق الگوهای امنیتی‌سازی و غیرامنیتی‌سازی ایران و ترکیه در عراق

بخش امنیتی	موضوع مرجع	ایران / محور مقاومت	ترکیه / نوعثمان‌گرایی	برآیند تحلیلی
سیاسی	ثبات، مشروعیت و انسجام حکمرانی عراق	تأکید بر تقویت ثبات سیاسی، انسجام جریان‌های شیعی و مقابله با مداخلات خارجی از طریق شبکه‌های سیاسی و ایدئولوژیک	تأکید بر تعامل دولت‌محور، دیپلماسی رسمی و نهادسازی در روابط با بغداد	رقابت دو الگوی نفوذ سیاسی؛ شبکه‌محوری ایران در برابر دولت‌محوری ترکیه
نظامی	امنیت ملی، تمامیت ارضی و مقابله با تهدیدهای فرامرزی	تأکید بر بازدارندگی منطقه‌ای، مقابله با تهدیدهای خارجی و حمایت از ظرفیت‌های مقاومت در چارچوب امنیت منطقه‌ای	امنیتی‌سازی تهدید پ.ک.ک، اما حرکت به‌سوی غیرامنیتی‌سازی از طریق مذاکره و فرایند سیاسی	تداوم رقابت امنیتی با دو برداشت متفاوت از تهدید و امنیت منطقه‌ای
اقتصادی	امنیت انرژی، توسعه و استقلال اقتصادی عراق	گسترش پیوندهای اقتصادی و تجاری و تلاش برای حفظ روابط اقتصادی در شرایط فشارهای خارجی	توسعه وابستگی متقابل اقتصادی، همکاری تجاری و طرح‌های زیرساختی و ارتباطی	وابستگی اقتصادی عراق به هر دو بازیگر، اما با الگوهای متفاوت و محدودیت استقلال اقتصادی
اجتماعی	هویت، انسجام اجتماعی و پیوندهای فرهنگی	تعمیق نفوذ از طریق پیوندهای مذهبی، رسانه‌ای و مناسک شیعی؛ تمرکز بر اربعین و همبستگی فراملی	نفوذ چندمخاطبی از طریق پیوندهای سنی، ترکمانی و کردی و ابزارهای فرهنگی و رسانه‌ای	رقابت دو الگوی نفوذ نرم: تعمیق هویتی ایران در برابر گسترش مخاطبان ترکیه
زیست‌محیطی	امنیت آب، کشاورزی و ثبات جمعیتی	تأکید بر همکاری آبی و اثرگذاری محدودتر و محلی بر زیرحوضه‌های دجله در اقلیم کردستان	کنشگر غالب امنیتی‌ساز به دلیل کنترل سرچشمه‌های دجله و فرات؛ بهره‌گیری از فشار آبی در نهادسازی دیپلماتیک (نفت در برابر آب)	تداوم چالش‌های ساختاری آب و ضرورت همکاری منطقه‌ای برای مدیریت منابع مشترک

منبع: (نگارنده)

٦. نتیجه‌گیری

تحلیل رقابت ایران و ترکیه در عراق نشان می‌دهد که این رقابت را نمی‌توان صرفاً در قالب منازعه سنتی برای کسب نفوذ یا برتری ژئوپلیتیکی توضیح داد؛ بلکه باید آن را برخورد دو منطق متفاوت از نظم‌سازی منطقه‌ای دانست که هر یک، امنیت خود را در پیوند با جایگاه عراق تعریف می‌کنند. نوعثمان‌گرایی ترکیه، با بازخوانی پیوندهای تاریخی و بهره‌گیری هم‌زمان از ابزارهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی، در پی ایجاد محیطی است که در آن منافع امنیتی آنکارا در پیرامون راهبردی‌اش تثبیت شود. در مقابل، محور مقاومت، امنیت ایران را در قالب شبکه‌ای از پیوندهای راهبردی و ایدئولوژیک و در چارچوب مقابله با تهدیدهای فرامنطقه‌ای بازتعریف می‌کند. بنابراین، عراق نه حاشیه این رقابت، بلکه یکی از کانون‌های اصلی بازتولید آن است.

از منظر نظریه امنیتی‌سازی، اهمیت عراق برای تهران و آنکارا زمانی آشکارتر می‌شود که تهدیدهای ادراک‌شده، از سطح مسائل عادی سیاست خارجی به موضوعات حیاتی امنیتی ارتقا می‌یابند. در این فرایند، هر دو بازیگر با تعریف تهدیدهای خاص، زمینه توجیه اقدامات فوق‌العاده و گسترش دامنه مداخله خود را فراهم می‌کنند؛ اما تفاوت در مرجع امنیت و شیوه صورت‌بندی تهدید، الگوهای متفاوتی از کنش را ایجاد می‌کند. ایران، تهدید را عمدتاً در نسبت با فشار خارجی، بی‌ثباتی منطقه‌ای و ضرورت حفظ عمق راهبردی صورت‌بندی می‌کند؛ درحالی‌که ترکیه، امنیت مرزی، مسئله کردها و تحولات شمال عراق را در کانون گفتمان امنیتی خود قرار می‌دهد. پیامد این وضعیت، شکل‌گیری محیطی چندلایه است که در آن امنیت یک بازیگر می‌تواند هم‌زمان به منبع ناامنی برای دیگری تبدیل شود.

بااین‌حال، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پیامد رقابت ایران و ترکیه برای عراق یک‌دست و خطی نیست و نمی‌توان آن را صرفاً به تشدید ناامنی فروکاست. این رقابت در برخی حوزه‌ها، به‌ویژه حوزه نظامی و سیاسی، با تقویت منطق تهدید و افزایش مداخلات مستقیم و غیرمستقیم، ظرفیت دولت عراق برای اعمال حاکمیت مستقل را محدود می‌کند؛ اما در حوزه‌های اقتصادی و برخی عرصه‌های اجتماعی، منافع متقابل و وابستگی‌های موجود می‌تواند به ایجاد سازوکارهای تعامل و کاهش نسبی تنش منجر شود. از این منظر، مسئله اصلی نه صرفاً وجود رقابت، بلکه فقدان چارچوبی نهادمند برای مدیریت آن است. هرچه رقابت از سطح تعامل راهبردی به عرصه امنیتی‌سازی گسترده‌تر منتقل شود، امکان تبدیل

تفاوت منافع به تهدیدهای وجودی افزایش یافته و فضای مانور دولت عراق برای ایجاد موازنه میان دو قدرت کاهش می‌یابد.

از منظر نظری، می‌توان نتیجه گرفت که امنیت عراق محصول تعامل سه سطح به‌هم‌پیوسته است: سیاست داخلی، رقابت منطقه‌ای و گفتمان‌های امنیتی فراملی. این سه سطح در عراق به‌گونه‌ای درهم‌تنیده‌اند که مرز میان تهدید داخلی و خارجی، امنیت ملی و امنیت منطقه‌ای و حتی کنشگر دولتی و غیردولتی تا حد زیادی سیال شده است. در چنین شرایطی، عراق به یک «فضای امنیتی واسط» تبدیل می‌شود؛ فضایی که در آن، منازعات دو قدرت منطقه‌ای بازتاب می‌یابد و هم‌زمان خود به بازتولید آن‌ها کمک می‌کند. بر این اساس، امنیتی‌شدن عراق نه صرفاً پیامد مداخله خارجی، بلکه حاصل هم‌افزایی میان ضعف نهادی داخلی و رقابت‌های منطقه‌ای است. بنابراین، کاهش ناامنی پایدار در عراق بدون کاهش منطق رقابت صفرجمعی و تقویت ظرفیت دولت برای بازپس‌گیری نقش مستقل خود در معماری امنیتی منطقه دشوار خواهد بود.

در نهایت، پاسخ به مسئله اصلی پژوهش نشان می‌دهد که رقابت نوعثمان‌گرایی و محور مقاومت، محیط امنیتی عراق را در وضعیتی از «امنیت چندگانه و متعارض» قرار داده است؛ وضعیتی که در آن، یک کنش می‌تواند از دید یک بازیگر اقدامی برای ثبات و از منظر بازیگر دیگر عاملی برای تهدید تلقی شود. ازاین‌رو، مسئله بنیادین عراق صرفاً حضور دو قدرت رقیب نیست، بلکه فقدان اجماع بر سر قواعد مشروع رقابت و حدود مداخله در محیط امنیتی این کشور است. برآیند تحلیلی پژوهش آن است که تا زمانی که ایران و ترکیه امنیت خود را در گرو افزایش نفوذ و کاهش نفوذ رقیب تعریف کنند، عراق همچنان در معرض بازتولید چرخه‌های امنیتی‌شدن، مداخله و ناامنی قرار خواهد داشت. برون‌رفت از این وضعیت مستلزم گذار از منطق رقابت نیابتی به سازوکارهای گفت‌وگوی منطقه‌ای، احترام به حاکمیت عراق و شکل‌گیری ترتیباتی است که امنیت آن را به‌عنوان هدفی مستقل به رسمیت بشناسد.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

Abbaszadeh, H. & Islami, M. (2025). The Impact of the Resistance Axis on Iran-US Conflicts in the Middle East and North Africa. Africa Asia Relations, 2(1), 97-130. https://aar.modares.ac.ir/article_6124.html [In Persian]

Ahmadzada, K., & Safa, R. (2025). Neoclassical Geo-strategic Analysis of Türkiye's Military Operations in Syria and Iraq till Assad's Fall. *Novus Orbis: Siyaset Bilimi Ve Uluslararası İlişkiler Dergisi*, *7*(2), 103-134. https://izlik.org/JA47WM67YE

Al Jazeera (27/4/2026). Iraqi president names Shia bloc candidate Ali al-Zaidi as PM-designate. https://aje.news/rkcgyy

Amwaj.media (20/11/2025). Deep Dive: Ruling Shiite alliance moves to form Iraq's next government. https://amwaj.media/en/article/iraq-s-coordination-framework-claims-election-victory-as-largest-parliamentary-bl

Ansari Bardeh, R., Hosseinzadeh,V. & Nili, M . (2023). The role of Iraq in the Axis of Resistance; advantages and barriers. Journal of Political Knowledge, 19(Resistance), 23-50. https://doi.org/10.30497/pkn.2022.240664.2830 [In Persian]

Aydogdu, I. (2026). The evolution of Turkey's border protection against the PKK: A policy recommendation (Bachelor's thesis, Masaryk University, Faculty of Social Studies). https://is.muni.cz/th/u52u6/

Azizi, H., & Werenfels, I. (2026). Reclaiming Iraqi agency: Post-election dynamics and challenges. *Stiftung Wissenschaft und Politik (SWP)*, 3(8), 1-8. https://doi.org/10.18449/2026C03

Azizyan, O., & Rostami, S. (2025). The Conflict of Interests between Iran and Turkiye in Iraq; An Analvsis Based on the Neorealist Theory. Mesopotamian Political Studies, 4(1), 73-107. https://doi.org/10.22126/mps.2025.12453.1071 [In Persian]

Badine El Yattioui, M. & El Yattioui, Y. (2024). The Turkish diplomatic strate-

gy in Iraq: Shifts and continuities, 2003-2023. OASIS: Observatorio de Análisis de los Sistemas Internacionales, (39), 87-102 .https//:doi.org.10.18601/16577558/n39.06

Bechlaghem, L. (2026). The United States and Israel's Military Escalation against Iran and Its Geopolitical Implications for the Middle East. *Legal and Political Research*, 11(1), 541-561. https://asjp.cerist.dz/en/article/296898

Bilgen, A. (2019). The southeastern anatolia project (GAP) in Turkey: an alternative perspective on the major rationales of GAP. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 21(5), 532-552. https://doi.org/10.1080/19448953.2018.1506287

Buzan, B. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. Lynne Rienner.

Day, J., Goodman, R., Chen, Z., Hunter, R., Giosan, L., & Wang, Y. (2021). Deltas in arid environments. Water, 13(12), 1-24. https://doi.org/10.3390/w13121677

Dehshiri, M. R., & Ghaedi, M. (2022). A comparative Study of Iranian and Turkish Cultural Diplomacy in Iraq (2003 to 2020). International Journal of Political Science, 12(4), 51-69. https://oiccpress.com/ijps/article/view/7409

Dodge, T. (2020). Understanding the role of al-Hashd al-Shaabi in Iraq's national and transnational political field. *Challenges to the Middle East North Africa Inclusionary State*, 5-12. https://pomeps.org/understanding-the-role-of-al-hashd-al-shaabi-in-iraqs-national-and-transnational-political-field

Donya-e-Eqtesad. (16/8/2025). The Number of Arbaeen Pilgrims Surpassed 21 Million: How Many Were Iranian? Retrieved from https://donya-e-eqtesad.com/fa/tiny/news-4205252 [In Persian]

Eftekhari, M (2/4/2026). Iraq Development Road 2026: Faster Than Suez to Europe?. Tendify. https://tendify.net/iraq-development-road/

Esmaili, M. & Haqshenas, M. (2023). Iran's Coalition-Building Strategy Within Its Neighborliness Policy: Emphasis on the Axis of Resistance. Irani-

an Review of Foreign Affairs, 14(2), 321-342. https://doi.org/10.22034/irfa.2023.215202

Filimon, L. M. (2016). An overview of the Copenhagen school's approach to security studies: constructing (in) security through performative power. *Revista Română de Studii Baltice şi Nordice*, 8(2), 47-72. https://www.ceeol.com/search/article-detail?id=570528

Fotouhi, J, Allahkaram, A. & Amini, A. A. (2024). Geopolitical analysis of the role of Turkish neo-Ottomanism in strengthening and directing Salafi groups in Syria. Geography and Regional Planning, 14(1), 658-669. https://doi.org/10.22034/jgeoq.2025.561591.4371 [In Persian]

Ghannoudi, M. A. (2026). Turkey's Repositioning in a Shifting Regional Landscape: From Reactive Policies to Role-Shaping. *SSRN*, 7059838, 1-5. https://dx.doi.org/10.2139/ssrn.7059838

Göçer, D. & Altunışık, M. (18/2/2026). The Evolving Middle Eastern Regional Order: Türkiye-Iraq Relations in Context. Carnegie Endowment for International Peace. https://carnegieendowment.org/research/2026/02/the-evolving-middle-eastern-regional-order-turkiye-iraq-relations-in-context

Grasso, D. (2025). Authority, Hierarchy and The Commune. A Textual Analysis Of Öcalan And Bookchin in Light of The Pkk Dissolution Process. *Partecipazione e conflitto*, *18*(2), 451-467. https://doi.org/10.1285/i20356609v18i2p451

Grün, G. (2024). Transboundary water cooperation in the Euphrates–Tigris Basin: A case study (Master's thesis, Uppsala University). https://urn.kb.se/resolve?urn=urn%3Anbn%3Ase%3Auu%3Adiva-533734

Imam Hussain Holy Shrine (18/8/2025). Al-Abbas Holy Shrine Announces Number of Pilgrims Participating in Arbaeen Commemoration. https://imamhussain.org/english/47026

International Crisis Group. (2025, December 9). Strengthening Iraq-Türkiye Ties amid Regional Tensions (Middle East Report No. 254). https://www.

crisisgroup.org/rpt/middle-east-north-africa/iraq-turkiye/254-strengthening-iraq-turkiye-ties-amid-regional-tensions

Islam, M. N. (2021). Turkish charm and public diplomacy: A literature review and critical assessment on Turkish soft power in the middle eastern countries. *Pamukkale Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Dergisi*, (47), 175-187. https://doi.org/10.30794/pausbed.781192

Ivaylo, H. (2019). Neo-Ottomanism-emergence, ideology and political doctrine. *Social Evolution & History*, *18*(1), 139-156. https://doi.org/10.30884/seh%2F2019.01.08

Kennedy, C. (22/9/2025). Iran Gas Exports to Iraq Slump. Oil Price. https://oilprice.com/Latest-Energy-News/World-News/Iran-Gas-Exports-to-Iraq-Slump.html

Keynoush, B. (18/3/2021). Water scarcity could lead to the next major conflict between Iran and Iraq. Middle East Institute (MEI). https://mei.edu/publication/water-scarcity-could-lead-next-major-conflict-between-iran-and-iraq/

Khalil, H. J. (2023). Turkey's Gap Project from the Perspective of International Water Law. *Iranian Journal of International and Comparative Law*, 1(2), 150-174. https://doi.org/10.22091/ijicl.2024.9309.1063

Khanmohammadi, M. H., & Raeisinejad, A. (2023). From Neo-Ottomanism to the Century of Türkiye: Turkey's Quest to Become a Global Power. Scientific Quarterly of Central Eurasia Studies, 29(124), 59–82. https://ca.ipisjournals.ir/article_710568.html?lang=fa [In Persian]

Knights, M. (2025). Iraqi Oil and the Iran Threat Network. *CTC Sentinel*, *18(*4), 1-20. https://ctc.westpoint.edu/iraqi-oil-and-the-iran-threat-network/

Knudsen, O. F. (2001). Post-Copenhagen Security Studies: Desecuritizing Securitization. Security dialogue, 32(3), 355-368. https://doi.org/10.1177/0967010601032003007

Koc, E. (2025). Opportunities and Objections in the Iraq Development Road

Project: A Focus on Erbil-Baghdad Disputes in a Federal Framework. *Journal of Legal and Political Studies*, 13, 689-700. https://doi.org/10.17656/jlps.10318

kurdpress (3/5/2026). Erdoğan invited Al-Zaidi to visit Turkey. https://en.kurdpress.com/x4nKM

Masoudi, H. & Nourian, A. (2023). Arbaeen March and Its Effect on Iran's Soft Power in Iraq:Practice Theory. *Contemporary Researches on Islamic Revolution*, *5*(15), 1-18. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.26767368.2023.5.15.1.1

MDEast News (16/8/20225). Statistics of Arbaeen Pilgrims over the Past Ten Years. Retrieved from https://mdeast.news/?p=375430 [In Persian]

Mohsin, S. (20/7/2026). Iraq's high stakes in the US–Iran crossfire. THE BUSINESS STANDARD. https://www.tbsnews.net/thoughts/iraqs-high-stakes-us-iran-crossfire-1493231?amp

Moshirzadeh, H. and Jabery, H. (2026). Neo-Ottomanism and Transformation of Türkiye's Geopolitical Outlook on West Asia. Central Eurasia Studies, 18(2), 377-408. https://doi.org/10.22059/jcep.2026.394216.450318 [In Persian]

Mottaqi, A., Rashidi, M., & Yahyapour, M.S. (2013). A geopolitical analysis of the status of national interests in the Islamist policies of Turkey, using a constructionist approach. Geography, 11(36), 251-271. https://sid.ir/paper/150390/en [In Persian]

Nabavi, M, khodaverdi, H, Keshishian Siraki, G. & Simbar, R. (2025). The strategic requirements of the axis of resistance for the national security of the Islamic Republic of Iran. The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, 7(2), 80-111. https://doi.org/10.22034/fasiw.2025.355455.1195 [In Persian]

Nabi, R., Zarei, G., & Haghighi, A. M. (2025). Türkiye's Strategic Goals in Confronting the Axis of Resistance (Case Study of West Asia). Sciences of Conservation and Archaeology, 37(4), 663-673. https://doi.org/10.48141/sciarch-37.3.25.58

Naderi, M., Goodarzi, M. & Emam JomeZadeh S. J. (2022). Assessing implications of Turkish dams on the national security of the countries affected by the Tigris and Euphrates. Quarterly Journal of Political Research in Islamic World, 12(4), 167-193. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23222980.1401.12.4.7.8 [In Persian]

Nasre-Efahani, M, Tarjoman, F. & Kazemi, A. (2023). The Future of the Axis of Resistance in Light of the Global Power Geometry. Transcendent Policy, 11(2), 233-250. https://doi.org/10.22034/sm.2023.562705.1940 [In Persian]

New Region (18/3/2026). Iranian gas supplies to Iraq completely halted: Electricity ministry. https://thenewregion.com/posts/4883

Nyman, J. (2013). Securitization theory. In *Critical approaches to security* (pp. 51-62). Routledge.

Outzen, R. (12/8/2022). Claw-Lock: An Assessment of Turkish Counter-PKK Operations in Northern Iraq in 2022. Jamestown. https://jamestown.org/claw-lock-an-assessment-of-turkish-counter-pkk-operations-in-northern-iraq-in-2022/

Pirmohammadi, S. & Niakooee, S. A. (2025). Construction the pattern of cooperation and competition in Iran-Turkey relations (2023-2011). The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, 7(2), 62–87. https://doi.org/10.22034/fasiw.2025.484184.1395 [In Persian]

Pourali, P., Dehshiri, M. R., Ghaedi, M. R., & Khodaverdi, H. (2022). A Comparative Study of the Cultural Diplomacy of Iran and Turkey in Iraq (2003–2020). Quarterly Journal of International Relations Studies, 15(57), 27–56. https://www.magiran.com/p2454366[In Persian]

Qom News Agency (17/8/2025). Infographic: Statistics of Iranian Arbaeen Pilgrims over the Past 12 Years. Retrieved from https://www.qomna.ir/?p=210014[In Persian]

Rouhi, M. (2025). Iran's Strategic Crossroads: Options Beyond the Axis?. *The*

Washington Quarterly, *48*(2), 29-42. https://doi.org/10.1080/016366 0X.2025.2516979

Saleh, S., & Hamadamin, N. M. (2025). Türkiye's Security Concerns, Strategic Implications, and Policy Responses in Iraq and the Kurdistan Region (2014-2024). Twejer Journal, 8(2), 1-56. https://doi.org/10.31918/twejer.25

Saleh, S., & Hamadamin, N. M. (2025). Türkiye's Security Concerns, Strategic Implications, and Policy Responses in Iraq and the Kurdistan Region (2014-2024). Twejer Journal, 8(2), 1-56. https://doi.org/10.31918/twejer.2582.01

SNN (21/7/2025). More than 44,000 Relief Workers Deployed under the National Arbaeen Relief and Rescue Plan. Retrieved from https://snn.ir/005O-mY [In Persian]

Tahseen, O. A. (2026). Turkey's Public Diplomacy in Iraq: The Case of The Turkish Cooperation and Coordination Agency (TIKA). J*ournal of Contemporary Business Law & Technology: Cyber Law, Blockchain, and Legal Innovations,* 3(6), 1-12. https://doi.org/10.61796/ejcblt.v3i6.1840

Wæver, O. (2007). Securitization and desecuritization. In B. Buzan & L. Hansen (Eds.), *International security* (Vol. 3, pp. 91–45). SAGE Publications.

Wasinger, C. E. (2015). *Peace be dammed? Water power and water politics in the Tigris-Euphrates Basin*. Bowdoin College.

Wastnidge, E. (2019). Imperial Grandeur and Selective Memory: Re-assessing Neo-Ottomanism in Turkish Foreign and Domestic Politics. *Middle East Critique*, *28*(1), 7–28. https://doi.org/10.1080/19436149.2018.1549232

Woertz, E., Bardan, F. M., & Abu Alkheir, D. (2026). Russian geonarratives and Arab media: multipolarity, Eurasianism and constructed 'non-Wests.' *British Journal of Middle Eastern Studies*, 1–21. https://doi.org/10.1080/1353019 4.2026.2632193

Yavuz, M. H. (2016). Social and intellectual origins of neo-ottomanism: Searching

for a post-national vision. Die Welt des Islams, 56(3-4), 438-465. https://doi.org/10.1163/15700607-05634p08

Yildirim, E. (26/11/2024). Development Road Project to realize $19.9B total investment. Anadolu Ajansı (AA). https://v.aa.com.tr/3405028

Yildiz, D. (2024). A step forward for putting preventive water diplomacy into action in the Middle East. World Water Management, Diplomacy & Science News, 1(1), 1-13. https://www.academia.edu/124292759/A_step_forward_for_putting_preventive_water_diplomacy_into_action_in_the_Middle_East?source=swp_share

Zabihi, R. (2024). Patterns of Iran's Activism in Iraq's Geopolitics. Geopolitics Quarterly, 20(4), 191-219. https://doi.org/10.22034/igq.2024.414700.1800